

مرور تغییرات در مقامات ارشد بایدن

سال ۲۰۲۳ هم سال چالشی دیگری برای رئیس‌جمهور بود؛ نرخ نه‌چندان مطلوب حمایت عمومی، فاصله‌های نزدیک در کنگره، درخواست‌ها برای استیضاح، درگیری‌های جدی و مداوم در خارج از کشور و اقتصادی که برای بیدارکردن دوباره جای پایش به تقلا افتاده، به‌رم این چالش‌ها، ثبات نسبی در میان کارکنان کاخ سفید همچنان یکی از ویژگی‌های دولت بایدن است، به‌خصوص وقتی با غوغای دولت ترامپ مقایسه شود. در سال سوم، اکثر مقامات ارشد دفتر اجرایی رئیس‌جمهور، به‌کار خود ادامه دادند، با تغییراتی کمتر از ۲۰۲۲، یعنی کاهش از ۲۳ تغییر یا ۳۵ درصد به ۱۵ تغییر یا ۲۳ درصد. در تمام سه سال، ۶۵ درصد تغییر اتفاق افتاده است. این یعنی از این لحاظ، بین هفت رئیس‌جمهور اخیر، از ریگان تا امروز، بایدن چهارم است. این بررسی به تغییرات در تیم اصلی ۶۶ نفره رئیس‌جمهور در دفتر اجرایی رئیس‌جمهور می‌پردازد که از جمله تأثیرگذارترین افراد غیرانتخابی دولت هستند. فراتر از آمارهای جمعی، نکات مهم در مرور این ۱۵ تغییر از این قرارند:

۱ دو نمونه مربوط به سمت‌هایی بودند که نیازمند تأیید کنگره بودند، کریس اینگلیس، مدیر امنیت سایبری و سیمیلیا ژو، رئیس شورای مشاوران اقتصادی. تغییر این‌ها در محیط سیاسی فعلی کار سختی است و نیاز به منابع بیشتری دارد.

۲ شش نمونه بالاترین مقام در کاخ سفید را داشتند، یعنی مقام دستیار رئیس‌جمهور. ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳، گزارش سالانه به کنگره نشان داد ۲۸ نفر این‌عنوان مهم را دارند. در ۲۰۲۳، ران کلین، رئیس دفتر؛ سوزان رایس، مشاور سیاست داخلی؛ بری‌ان دیس، مدیر شورای اقتصاد ملی؛ لوییزا ترل، مدیر پارلمانی؛ کیت بدینگفیلد، مدیر ارتباطات و جولیا رودریگز، مدیر امور درون‌دولتی. این جابه‌جایی‌ها و جایگزین‌هایشان، تنش و ماجرای چندانی ایجاد نکردند. در این حال، تعداد تغییرات در این سطح در سال سوم، تضاد شدیدی با میزان این تغییرات در سال دوم دارد. **۳** سال سوم، اغلب شامل انتقال تعدادی از اعضای ارشد دفتر از کاخ سفید به ستاد کارزار انتخاب دوباره رئیس‌جمهور است؛ اما از ۱۵ خروج سال سوم دولت بایدن، تنها جولیا رودریگز در این دسته قرار گرفت که اکنون مدیر کارزار انتخاب دوباره بایدن - هریس است.

۴ دفتر امور پارلمانی با تغییرات قابل‌توجهی در تیم اصلی مواجه شد. لوییزا ترل، مدیر و ریما دودین و شوانزا گوف، معاونانش. گوف، فوریه به‌عنوان معاون و رابط مجلس نمایندگان رفت، اما در ماه اوت برگشت تا مدیر دفتر امور پارلمانی شود.

۵ دو تغییر کلیدی، دیس و ژو، به معنای این بودند که تیم اقتصادی دو عضو مهم را از دست داد.

یک دلیل این تغییرات می‌تواند تمرکز روی انتخابات دوباره باشد که به نظر برخی از کارکنان سابق کاخ سفید، همیشه بر سیاستگذاری اولویت داشته است. از زمان نیکسون، نقش حزب ملی در انتخابات دوباره کاهش یافته و کاخ سفید در آن فعال‌تر شده است. از طرف دیگر، فرسایش هم مسئله مهمی است. بسیاری از آن‌هایی که رفته‌اند، از سال ۲۰۱۹ با ستاد کارزار بایدن بوده‌اند و به‌جای سه سال، پنج سال است که ساعت‌های طولانی مشغول کار بوده‌اند. از طرف دیگر اما کابینه بایدن، ثبات بی‌سابقه‌ای در مقایسه با شش دولت اخیر پیش از او داشته است. تازه‌ترین دولتی که از دولت بایدن ثبات بیشتری داشته، دولت فرانکلین پیرس، رئیس‌جمهور چهاردهم، ۱۷۱ سال قبل است. از کابینه بایدن، فقط یک نفر، مارتی والش، وزیر کار، رفت. طبق سابقه تاریخی، سال آینده تغییرات در تیم اصلی کمتر هم خواهد شد. جز در شرایط رسوایی بزرگ یا درخواست عمومی استعفا، اعضای کابینه هم احتمالاً خواهند ماند، چون فرایند پیچیده رأی اعتماد باعث می‌شود ترجیح به حفظ و ماندن باشد.



روح‌انگیز رها

خبرنگار گروه بین‌الملل

حرف‌واشنگتن و تل‌آویو با هم نمی‌خوانند. در روزهای اخیر، زرمه‌های اختلاف‌نظر بین دولت‌های ایالات متحده و اسرائیل، واضح‌تر شده است. مشخصاً صراحت طرف اسرائیلی درباره راه‌حل دودولتی، تبدیل به چالشی برای کاخ سفید شده است. سیاست اعلامی مقامات ایالات متحده، حمایت از راه‌حل دودولتی بوده است؛ اما در روزهای گذشته، مقامات ارشد دولت اسرائیل به صراحت مخالفت خود را با این راه‌حل و به‌طور کلی با هر گونه ایده تشکیل کشور فلسطینی اعلام کرده‌اند. شخص بنیامین نتانیا‌هو، از این فراتر رفته و نمتنها مخالفت خود را با این راه‌حل ابراز می‌کند، بلکه ادعا و افتخار می‌کند، تا اینجای کار اومانع از تشکیل دولت فلسطینی بوده و خطاب به رأی‌دهندگان اسرائیلی می‌گوید تنها مانع برای شکل‌گیری چنین ایده‌ای از اینجا به بعد هم خود او خواهد بود. تناقض بین مواضع اسرائیل و ایالات متحده از زمان شروع دور تازه حملات اسرائیل، البته وجود داشته است؛ اما این تناقض پیش از این، از زاویه انکار اتهاماتی بوده است که به اسرائیل زده می‌شود. دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، حمایت‌تمام و کمال و بی‌قیدوشرط خود را پشت اسرائیل گذاشته بود و در شرایطی که مقامات دولت اسرائیل رسماً از تصمیمات خود برای پاکسازی نسل‌ی نابودکردن غزه می‌گفتند و خشونت‌ها در کرانه باختری تشدید می‌شد، مقامات آمریکایی همچنان تأکید داشتند هدف اسرائیل تنها مقابله با حماس است، نسل‌کشی، پاکسازی نسل‌ی و دیگر جرائم دیگر در حال وقوع نیستند و برخلاف مواضع صریح طرف اسرائیلی، روایت متفاوتی از آنچه در حال وقوع بود، ارائه می‌دادند؛ اما شکل تازه این تناقض، از حمایت و انکار به سمت اختلاف در حال حرکت بوده است. آنچه به نظر اختلاف می‌آید، چیست، چه دلالی دارد و به چه سمتی می‌رود؟

دو طرف چه می‌گویند؟

روایات از اختلاف بین دولت‌های دو طرف و مشخصاً، اختلاف بین جو بایدن و نتانیا‌هو، از یکی دو هفته پیش آغاز شد. اخباری که به نظر می‌رسد قاعدتاً از درون کاخ سفید به رسانه‌ها راه یافته‌اند، ادعا می‌کردند که بایدن چندین روز تماسی با نتانیا‌هو نداشته است. آکسیوس حتی نوشت که در آخرین تماس پیش از این وقفه، بایدن از سرسختی و مقاومت نتانیا‌هو در مقابل خواسته‌های ایالات متحده کلافه شده و با جمله «این گفت‌وگو تمام شده است»، تلفن را روی نتانیا‌هو قطع کرده است. در روزهای اخیر، خبر دیگری از تماس‌های بایدن و نتانیا‌هو رسیده است که باز از تضاد مواضع می‌گوید. طرف اسرائیلی، پس از تماسی که ادعا می‌شود اخیراً گرفته شده، همچنان بر مخالفت خود با راه‌حل دودولتی و نیز ایده‌های دیگر در جهت توقف یا کاهش حملات تأکید کرده و مدعی است، این راه به حامی اصلی خود، ایالات متحده نیز اعلام کرده است، اما در حالی که همچنان نتانیا‌هو، اسحاق هرتزوغ، رئیس دولت اسرائیل و دیگر مقامات در توئیت‌ر و در رسانه‌ها بر این مواضع تأکید می‌کنند، بایدن در گفت‌وگو با خبرنگاران تأکید دارد که چنین پاسخی از طرف اسرائیل نگرفته است. بخشی از این انکار، البته در راستای همان رویکرد پیشین است، اما بوی دیگری که ناظران از این صحبت‌های بایدن شنیده‌اند این است: ایالات متحده قصد ندارد از موضع را از اسرائیل بپذیرد. مسئله دیگری که شاید پس‌زمینه این اختلاف باشد، گسترش جنگ است. سیاستمداران، اندیشکده‌ها و رسانه‌های مختلف، چند هفته‌ای است که هشدار می‌دهند، ادامه روند فعلی، کار را به جنگی گسترده در تمام منطقه خواهد کشاند که عواقب و گستره آن چندان پیش‌بینی‌پذیر نیست. درباره نگاه ایالات متحده به وضعیت غزه جای بحث هست اما آنچه مشخص است این است که ایالات متحده راضی نیست دامنه درگیری‌ها از محدوده سرزمین‌های اشغالی فراتر رود. در چنین شرایطی، در حالی که ایالات متحده مایل به ورود بازیگرانی مثل حزب‌الله و ایران به شکل رسمی به وضعیت جنگ نیست، بسیاری از کارشناسان، لازمه پیشگیری از وقوع چنین اتفاقی را پذیرش لاقابل‌بخشی از خواسته‌ها از سوی طرف اسرائیلی توصیف می‌کنند اما اسرائیل همچنان با حزب‌الله در مرز جنوبی لبنان مشغول اره‌دادن

عکس: Getty Images

و تیشه‌گرفتن است و زو‌خورد‌های دفتعی غیرمستقیم بین اسرائیل و ایران ادامه دارد. حوثی‌ها نیز همچنان در دریای سرخ به دنبال ممانعت از رفت‌وآمدهایی هستند که به روایت آن‌ها، به نفع اسرائیل انجام می‌شوند و ایالات متحده نیز با بریتانیا البته چندین متحد نه‌چندان متعهد دیگر، به مقابله با آن‌ها برخاسته است. نگرانی‌ها درباره اینکه یک اتفاق، حتی ناخواسته، تنش را از حد بگذراند و خصوصت‌ها را به جنگ تبدیل کند، مدام بیشتر می‌شود. دغدغه اصلی این است که نفر سومی که رسماً وارد جنگ شود، نفر آخر نخواهد بود و پیش‌بینی بدبینانه می‌گوید در صورت وقوع چنین اتفاقی، حزب‌الله، ایران، یمن، عربستان سعودی، سوریه، اردن، عراق، ایالات متحده، بریتانیا و گروه‌های کوچک و بزرگ تروریستی یا جدایی‌طلب در منطقه نیز از سرناچارگی یا فرصت‌طلبی، وارد درگیری خواهند شد یا هدف قرار خواهند گرفت. تک و پاتک اخیری که بین ایران و پاکستان رخ داد نیز هر چند در نهایت به اینجا رسید که دو طرف بازگشت روابط به وضعیت عادی را اعلام کنند، نشانه‌ای از این بود که در صورت شروع درگیری منطقه‌ای، ماجرا ممکن است بازیگران نه‌چندان نزدیک را هم درگیر کند و کار را تا شرق آسیا هم پیش ببرد. در چنین شرایطی، خودداری اسرائیل از پذیرش هر گونه خویشتن‌داری یا امتیازدهی، چندان مطلوب ایالات متحده نیست. به‌خصوص که از نگاه بر خ‌ی، از جمله بن‌رودن، یکی از مقامات پیشین دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، ایالات متحده همین حالا هم با حمله به یمن، وارد درگیری منطقه‌ای شده است. به‌طور خلاصه، آمریکا به خواسته‌های اسرائیل جامه عمل می‌پوشاند اما اسرائیل گوش شنوایی برای هیچ‌کس ندارد.

آیا اختلاف جدی است

اما یک‌طرفگی رابطه آمریکا- اسرائیل، نه در چند ماه اخیر که در چند دهه اخیر اصلاً اتفاق بی‌سابقه‌ای نبوده است. در بزنگاه‌های مختلف و متعدد، آنچه اسرائیل کرده است، چندان با توجه به آنچه آمریکا خواسته، نبوده

است، خواه در تقابل اسرائیل و فلسطین و خواه در صحنه‌های دیگر از جمله مذاکرات هسته‌ای با ایران، بیشتر نیز، مقامات ایالات متحده، چندین بار از لزوم این گفته‌اند که اسرائیل در حملات خود، تلفات غیرنظامی را در نظر بگیرد، اما اسرائیل همچنان در حال پاکسازی بخش‌های مختلف، به‌خصوص در شمال غزه از انسان‌ها، منابع، زیرساخت‌ها و خدمات بوده است. بعد از دستور به مردم غزه برای رفتن به جنوب به‌عنوان منطقه امن نیز، همان مناطق امن جنوبی هدف حملات اسرائیل قرار گرفته‌اند.

در تمام این مدت، البته ایالات متحده هیچ واکنش عملی‌ای به رفتار اسرائیل نشان نداده است، بلکه حمایت کامل خود را با تمام توان ادامه داده است. وتوی هرگونه قطعنامه علیه اسرائیل در شورای امنیت، رأی مخالف به قطعنامه‌ها در این باره در مجمع عمومی و البته تصمیم‌بایدن برای دوزدن کنگره جهت کمک‌رسانی نظامی و مالی به اسرائیل از جمله نشانه‌های ادامه حمایت بی‌قیدوشرط، به‌رغم ظاهر مواضع منتقدانه بوده است.

این حقیقت باعث شده از نگاه بسیاری، مواضع طرف آمریکایی، تنها بخشی از پروژه رسانه‌ای و تبلیغاتی دیده شود. طرف اسرائیلی، ابایی از تصریح برنامه‌های خود ندارد و بلکه سربازان اسرائیلی، از آنچه با فلسطینیان می‌کنند، با شوخی و خنده تصویربرداری و منتشر می‌کنند؛ اما طرف آمریکایی به واسطه مواجهه با افکار عمومی ایالات متحده و نیز دیگر کشورها از جمله متحدان و شرکانمی‌تواند این‌طور بی‌تعارف عمل کند و از همین رو، نگاه بدبینانه می‌گوید آنچه از مقامات دولت ایالات متحده می‌آمده، تنها گفتن حرفی است که باید گفته شود تا بشود گفت، گفته شده است. از یک نگاه دیگر اما، وضعیت روزهای اخیر با ماه‌های پیشین تفاوت دارد و دولت جو بایدن واقعاً خواستار تغییر در شرایط، مواضع و برنامه‌ها، لاقابل‌تأحی است.

اما چه ماجرا ظاهری باشد و چه واقعاً بین نتانیا‌هو و بایدن دعوا در جریان باشد، دلایل وقوع این تناقض، چندان متفاوت نمی‌شوند. چند دلیل داخلی و خارجی می‌توانند باعث این شده باشند که دولت بایدن، تصمیم به اتخاذ مواضع فعلی گرفته باشد.



بن‌رودن معاون مشاور امنیت ملی اوباما در گفت‌وگو با ان‌پی‌آر:

این سیاست جواب نمی‌دهد

بن‌رودن، معاون مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور در دوران باراک اوباما بود و گفته می‌شد به‌رغم سن‌وسال نسبتاً پایین‌اش، جایگاه قابل‌توجهی در فرایندهای تحلیل و تصمیم در سیاست خارجی و گوش شنوایی نزد شخص رئیس‌جمهور وقت دارد. او البته نظرگاهی شبیه به دیگر چهره‌های نزدیک به جریان اصلی قدرت در حزب دموکرات نسبت به چارچوب کلی سیاست‌ها در خاورمیانه دارد و همانند بسیاری، نقطه شروع وقایع را حمله حماس در ۷ اکتبر می‌خواند، گرچه واکنش اسرائیل را هم «واقعاً بی‌رحمانه و شدید» می‌خواند. رودن اما درباره وضعیت فعلی نقش‌آفرینی ایالات متحده در این منطقه، روایت صریح و شاید بتوان گفت بدبینانه و منتقدانه‌ای ابراز می‌کند. او اخیراً گفت‌وگویی با ان‌پی‌آر داشته است که در آن به مسائل اسرائیل و غزه و نیز به مسئله یمن پرداخته است. در آغاز این مصاحبه، او به این سوال پاسخ داده است: آیا ایالات متحده به‌رغم همه هشدارها برای پرهیز از درگیری در جنگ منطقه‌ای بزرگ‌تری در خاورمیانه، همین حالا درگیر چنین جنگی شده است؟ پاسخ او سریع و صریح است: «بله. فکر می‌کنم این جنگ منطقه‌ای الان در جریان است. اگر به آنچه بعد از ۷ اکتبر اتفاق افتاده نگاه کنید،



خوشنوی را می‌بینید که بین گروه‌های مختلف به راه افتاده است، گروه‌هایی که اغلب حمایت ایران یا ایالات متحده را دارند و البته عملیات اسرائیل در غزه هم هست. فکر می‌کنم با هر تعریفی باید این وضعیت را یک جنگ منطقه‌ای خواند.»

یک اتفاق با بالاترین شدید اوضاع فاصله داریم

نظر او درباره راهبرد لازم آمریکا در این وضعیت این است: «هر مسیری به سمت کاهش تنش، لزوماً باید شامل کاهش تنش در غزه و شکلی از آتش‌بس در آن منطقه باشد.» او توضیح می‌دهد که تا کارزار اسرائیل در منطقه متوقف نشود، این جنگ منطقه‌ای آرام نخواهد شد. «این صرفاً منطق وضعیت است.» او توضیح می‌دهد: «هر چه این جنگ طولانی‌تر شود، خطر تشدید تنش بیشتر خواهد شد، در شرایطی که گروه‌های مختلف تلاش می‌کنند موضع خود را محکم کنند یا فرصت‌طلبی کنند، اقدامات متقابل تلافی‌جویانه داریم.» هشدار او درباره پتانسیل یک انفجار بزرگ در منطقه واضح است: «بینید، ما یک اتفاق فاجعه‌بار با بالاگرفتن شدید اوضاع فاصله داریم، مثلاً یک حمله موفقیت‌آمیز به نیروهای ایالات متحده یا حمله

به یک ساختمان دیپلماتیک ایالات متحده در جایی مثل عراق.» رودن معتقد است گروه‌هایی مثل حماس و انصارالله، از اتفاقی مثل درگیر شدن مستقیم ایالات متحده در درگیری‌ها استقبال می‌کنند و از تشدید تنش به این سطح نمی‌ترسند.

حوثی‌ها جایی نمی‌روند

او ضمن حمایت از کلیت مقابله با اقدامات حوثی‌های یمن به عنوان «حفاظت از تجارت جهانی» می‌گوید: «اما وقتی کار را تا حد این از نوع حملات مستقیم علیه حوثی‌ها در یمن بالا می‌برید، من نگران می‌شوم. به چند دلیل: حوثی‌ها جایی نمی‌روند. آن‌جا محل زندگی‌شان است. اهل آن‌جا هستند. سال‌ها و سال‌ها جنگ را تحمل کرده‌اند و در طول آن نشان داده‌اند تاب‌آوری بالایی دارند. ظرفیت‌هایی که دارند خیلی گران نیستند و این حملات در مقابل آن‌ها بازدارندگی ایجاد نمی‌کند. چنان‌که در مواضع‌شان شنیده‌اید، آن‌ها همین را می‌خواهند. آن‌ها می‌خواهند طلا بدارند یا مقاومت در مقابل ایالات متحده و اسرائیل باشند.» درباره اینکه چطور می‌شود در این وضعیت، از درگیری به این شکل پرهیز کرد؟ او چنین می‌گوید: «اگر با یک سازمان تروریستی خارجی مواجه باشید، سازمانی که دارد از قلمرو شخص دیگری استفاده می‌کند تا برنامه حمله‌ها را بریزد و جنگجویان خارجی را آن‌جا داشته باشد، با این می‌شود به روش نظامی مواجه شد و شکستش داد. [اما] وقتی با یک جمعیت بومی مواجه هستید و با گروه مقاومتی، گروه شورشی مثل حوثی‌ها مواجه‌اید، یا مثل آنچه طالبان در افغانستان بود، این معادله کاملاً متفاوت است. از نظر من